



دوفصلنامه پژوهشی در ادبیات کودک و نوجوان

شماره ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۰

ISSN: ۲۲۸۴-۲۷۸۳

- باز آفرینی و باز نویسی در ادبیات تعلیمی کودک با تکیه بر متون کهن قلموس نامه - سیاستنامه دهه ۶۰ تا ۹۰
- باز تاب مفاصمین جنگ در شعر کودک و نوجوان دهه های ۸۰ و ۹۰ (با تأکید بر ده شاعر کودک و نوجوان)
- بررسی تأثیر جنگ ایران و عراق در ایجاد تصاویر تخیلی داستان شب بغیر فرمانده بر اساس نظریه ژیلبر دوران
- بررسی تطبیقی الماسه های و کهن الگوهای ایرانی و لهستانی
- بررسی ساختاری هنر شغصیت در داستان های نوجوان محمدرضا پیرامی
- بررسی لزوم آموزش مسائل جنسیتی کودکان در ادبیات کودک ایران با توجه به متدهای تربیتی فرهنگی و رشد درک کودک
- بررسی مؤلفه های اجتماعی و تربیتی در اشعار شاعران شاخص ادبیات کودک و نوجوان (با تکیه بر آثار اسدالله شعبانی، جعفر ابراهیمی و الماسه شعبان نژاد)
- تأثیر لعه گوئی الکترونیکی بر رشد مهارت های اجتماعی و تنظیم هیجانی کودکان کم توان ذهنی
- تحلیل محتوای مفاصمین و ویژگی های داستان رونی یک پیلانو لورت داده با تأکید بر موضوعات تربیتی و آموزشی
- تحلیل نشانه معناشناختی سازه روایی شخصیت در کتاب تصویر سیگانا
- مروری بر اهمیت آموزش کار آفرینی در مقطع ابتدایی
- نگرشی انتقادی به کارکرد زبان در آثار کودکان و نوجوانان

تأثیر قصه‌گویی الکترونیکی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و تنظیم هیجانی کودکان کم‌توان ذهنی

علی‌اکبر کمالی‌نهاد^۱، حسین حسن‌زاده ویائی^۲ و سمیه نوایی^۳

۱. عضو هیئت‌علمی گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان تهران. ایران. نویسنده مسئول
۲. دانش‌آموخته مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه علامه طباطبائی. مدرس دانشگاه فرهنگیان تهران، ایران
۳. کارشناسی علوم تربیتی. آموزگار پایه ششم شهرستان بهارستان. تهران. ایران

چکیده

اجتماعی‌شدن در دوران کودکی اهمیت بیشتری دارد و می‌تواند بر شخصیت کودک و تنظیم هیجان در او بسیار مؤثر باشد و در میان شیوه‌های آموزش آن به کودکان، قصه‌گویی، از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر، از نوع شبه آزمایشی و همراه با پیش‌آزمون-پس‌آزمون گروه کنترل، به بررسی تأثیر قصه‌گویی الکترونیکی بر رشد مهارت‌های اجتماعی و تنظیم هیجان دانش‌آموزان پسر کم‌توان ذهنی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر کم‌توان ذهنی آموزشگاه استثنایی گلستان یک در شهرستان بهارستان یک بوده است. در این پژوهش سی نفر از این دانش‌آموزان با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و در دو گروه پانزده نفری آزمایش و کنترل تعیین شدند. گروه آزمایش به مدت سه ماه، طی دوازده جلسه بیست دقیقه‌ای، تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی و تنظیم هیجان با روش قصه‌گویی الکترونیکی قرار گرفتند. داده‌ها پس از اتمام جلسات جمع‌آوری و با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌گویی الکترونیکی در بهبود و تقویت مهارت‌های اجتماعی، تنظیم هیجان و برقراری ارتباط مؤثر و همراه با احترام در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: قصه‌گویی الکترونیکی، مهارت اجتماعی، تنظیم هیجان، کودکان کم‌توان ذهنی، دوره ابتدایی.

مقدمه

مسئله اجتماعی‌شدن و توانایی تعامل با دیگران به شیوه‌ای شایسته و ثمربخش در همه مراحل زندگی به‌ویژه در دوران کودکی از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند کودک را از خطراتی محافظت کند که در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه است. همچنین رشد و پرورش مهارت‌های اجتماعی تأثیر زیادی بر شخصیت کودک می‌گذارد و نقش کلیدی در تنظیم هیجان دارد. «رشد اجتماعی سالم کودک مستلزم رشد طبیعی و سالم شخصیت و فراگیری مهارت‌های پایه اجتماعی‌شدن و کنترل هیجان است.» (حسن‌زاده ویائی و نوایی، ۱۳۹۹: ۲) در جریان انطباق و اجتماعی‌شدن پاره‌ای از محدودیت‌ها بر ارگانسیم آدمی تحمیل می‌شود. اگر تحمیلات زندگی اجتماعی و روابط انسانی شدید یا ناگهانی باشند، بیم آن می‌رود که ارگانسیم آدمی از روال طبیعی خود خارج شده و دست‌خوش اختلالات رفتاری، خشم و پرخاشگری گردد. این موضوع یکی از شایع‌ترین مسائل دوران کودکی است که رابطه بین کودک و محیط را خدشه‌دار می‌کند و برای فرد و دیگران مشکلات و چالش‌هایی ایجاد و زندگی عادی آنان را مختل می‌کند. با مرور تحلیل‌های ارائه‌شده در مورد مهارت‌های اجتماعی این نکته آشکار می‌شود که فردی دارای مهارت اجتماعی است که

با دیگران طوری ارتباط برقرار می‌کند که بتواند به حقوق رضایت خاطر و یا انجام وظایف خود در حد معقولی دست یابد، بی‌آنکه حقوق رضایت خاطر یا وظایف دیگران را نادیده بگیرد و درعین حال بتواند در این موارد مبادله‌های باز و آزاد با دیگران داشته باشد و رفتارهای کلامی و غیرکلامی او پاسخ‌های مناسب و مؤثر و بیشتر جنبه تعاملی داشته باشد. در این صورت تقویت‌های اجتماعی را به حداکثر می‌رساند و براساس ویژگی‌ها و محیطی که فرد در آن واقع شده، توسعه می‌یابد و از طریق آموزش رشد می‌کند. (فیلیپس، ۲۰۱۰: ۱۲۳) به‌طورکلی تنظیم هیجان و مهارت‌های اجتماعی به آن دسته از مهارت‌هایی گفته می‌شود که ما در تعاملات میان فردی خود به‌کار می‌بریم، با دیگران ارتباط و تعامل مؤثر برقرار می‌کنیم، در شرایط و موقعیت‌های حساس و مختلف مثبت یا منفی بر هیجانات خود غلبه می‌کنیم تا دچار چالش و مشکلات نشویم؛ بنابراین دانستن چگونه رفتار کردن و تنظیم هیجان در موقعیت و وضعیت‌های گوناگون بخشی از مهارت اجتماعی است.

تنظیم و کنترل هیجان و مهارت اجتماعی رفتارهایی اکتسابی‌اند که از طریق مشاهده، مدل‌سازی، تمرین و بازخورد آموخته می‌شوند، زیرا براساس نظریه شناختی-اجتماعی بندورا، یادگیری ابتدا با مشاهده، تقلید و بازخورد از محیط پیرامون کودکان صورت می‌گیرد. کودکان مهارت اجتماعی را بیشتر به طریقی یاد می‌گیرند که مفاهیم علمی را می‌آموزند. مراحل تدریس نخست شامل ارائه انگیزه، دوم دریافت واکنشی برای آن انگیزه، سوم اظهارنظر درمورد صحت واکنش و به‌دنبال آن پالایش بیشتر پاسخ‌ها و به‌کاربندی پاسخ‌های درست خواهد بود. در آموزش مهارت اجتماعی مرحله اول را نمایش و توضیح کلامی یک تصویر یا نمودار یا هر انگیزه‌ای از میان انگیزه‌های متعدد رفتار تشکیل می‌دهد. واکنش مطلوب کودک عبارت است از تلاش او در ایجاد مجدد انگیزه و اظهارنظر درمورد صحت واکنش و به‌دنبال آن پالایش بیشتر پاسخ‌ها و به‌کار بردن پاسخ‌های درست خواهد بود. در وهله اول باید اطلاعاتی را درباره لزوم تکرار با تعبیر پاسخ‌ها و نحوه آن ارائه دهد و در مراحل بعد ضروری است که فرصت‌هایی برای تقلید بیشتر، شیوه‌های آموزش رفتار اجتماعی تقریباً مشهود، بازخورد بیشتر و تمرین و تجربه کافی فراهم آید. شیوه‌های آموزش رفتار اجتماعی تقریباً مشهود همیشه دارای جنبه الگوسازی اجتماعی یا یادگیری از طریق تقلید هستند. الگوسازی اجتماعی به‌ویژه در مواردی که رفتار مشهود بازیابی از رخداد‌های درون است، برای آموزش شیوه مقبول اندیشیدن و احساس کردن موقعیت‌های اجتماعی مهم به‌نظر می‌رسد. (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۷)

به همین منظور برای رویارویی با تحولات و چالش‌های موجود باید آموزش مهارت‌های اجتماعی و تنظیم هیجانات به‌منظور تصمیم‌گیری مناسب، برقراری ارتباط و تعادل داشتن در جامعه بهبود یابد. این آموزش‌ها فرد را قادر می‌سازد تا در تعامل با دیگران در شرایط گوناگون عملکرد مؤثری داشته باشند و در درازمدت تأثیر معناداری بر کارکرد روانشناختی، تحصیلی و سازشی کودکان بگذارد. کودکانی که از مهارت‌های اجتماعی برخوردار هستند، اجتماعی‌تر بوده، مشارکت‌پذیری، اعتمادبه‌نفس و نوع‌دوستی بیشتری دارند، کمتر تنها می‌مانند و دوستان بیشتری دارند. برعکس کودکانی که فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند، با دیگران نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند و بیشتر تنها و درخودماندگی دارند و باید آموزش مهارت‌های اجتماعی را بیاموزند. روشن است که این مسئولیت سنگین برعهده مراکز آموزشی از جمله آموزش و پرورش است، زیرا بعد از نهاد خانواده، مدارس نهادهای اجتماعی هستند که در جامعه‌پذیر کردن کودکان و آموزش مهارت‌ها نقش مؤثری را ایفا می‌کنند. باید از دوره ابتدایی که در واقع سنگ زیربنای نظام آموزشی به‌شمار می‌آید، این مهارت‌ها در مدارس آموزش داده شود تا کودکان در مراحل بالاتر با عدم پذیرش اجتماعی و عدم کنترل هیجانات مواجه نشوند و یادگیری مفید، سودمند و مادام‌العمر داشته باشند. با این حال در میان گروه‌های مختلف کودکان دسته‌ای از کودکان نیز وجود دارند که هم در زمینه ارتباط اجتماعی و هم در تنظیم هیجانات و برقراری ارتباط مؤثر با دیگران مشکلات فراوانی دارند و با عنوان کودکان کم‌توان ذهنی شناخته می‌شوند. بنابر برآوردهای آماری رایج در سطح بین‌المللی بین یک تا دو درصد از جمعیت کشورها را کودکان کم‌توان ذهنی تشکیل می‌دهند. در ایران هفتصد هزار تا یک میلیون نفر کودک کم‌توان ذهنی وجود دارد. به سخن دیگر ۱/۵ تا ۲/۵ درصد از کل جمعیت کشور را کودکان کم‌توان ذهنی تشکیل می‌دهند. از این رو می‌توان گفت که توجه به این افراد در زمره مسئولیت‌های مهم و خطیر دولت‌ها قرار دارد و درصورت عدم توجه این جوامع بخشی از جامعه انسانی خود را از دست می‌دهند.

شناسایی شیوه‌های متفاوت یادگیری کودکان کم‌توان ذهنی به یافتن این مطلب می‌انجامد که بسیاری از آن‌ها آموزندگان دیداری هستند. بدین معنا که آنچه را که می‌بینند، بهتر درک می‌کنند، تا آنچه را می‌شنوند، بنابراین باید از ابزارهای دیداری به‌منظور فراهم کردن ساختار و برنامه‌ای استفاده کرد که در زندگی چنین کودکانی بسیار حائز اهمیت است. (هاجدن، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۸) یکی از مهم‌ترین مسائل در این خصوص شیوه آموزش مهارت‌های اجتماعی است، زیرا آموزش این‌گونه مهارت‌ها به کودکان کم‌توان ذهنی، به‌دلیل پیچیدگی جریان اجتماعی شدن و عوامل گوناگون مؤثر بر آن، باید با در نظر گرفتن همه عوامل مؤثر انجام شود.

امروزه از آموزش و یادگیری به‌عنوان یک فرایند منظم و هدفمند یاد می‌کنند، چراکه نوعی مشارکت فعال بین مربی و متربیان ایجاد می‌کند. گرچه تأثیر نسبی آموزش مستقیم مهارت‌های اجتماعی در چند مطالعه نشان داده شده است، اما پژوهشگران عدم تعمیم‌پذیری مهارت‌های آموخته‌شده به محیط طبیعی را بزرگ‌ترین مشکل آموزش سنتی مهارت‌های اجتماعی می‌دانند و بر این باورند که کودکان در مهارت‌های اجتماعی مشکلات عدیده‌ای دارند و یادگیری آن‌ها از طریق ادراک دیداری بهتر صورت می‌گیرد و در این شیوه آموزش یک مهارت تنها در صورت دستورالعمل مستقیم درباره نحوه عمل در یک موقعیت خاص است و انعطاف‌پذیری لازم برای به‌کارگیری آن مهارت در موقعیت‌های جدید وجود ندارد. (تویسرکانی، ۱۳۹۶: ۴) بر این اساس آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌صورت سنتی و به‌تنهایی کارساز نیست و باید روش‌ها و شیوه‌های متنوعی در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد تا درک مهارت‌های اجتماعی برای کودکان ملموس‌تر و عینی‌تر شود. کودکان کم‌توان ذهنی در مهارت‌های اجتماعی و تنظیم هیجان مشکلات عدیده‌ای دارند و از قدرت انتزاعی بسیار پایینی برخوردارند، اما ادراک دیداری‌شان بسیار قوی‌تر است و خیلی از مسائل را به‌صورت دیداری یاد می‌گیرند؛ بنابراین بهتر است که از وسایل عینی و ملموس در کلاس‌های درس بیشتر بهره گرفته شود.

آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان کم‌توان ذهنی از غنای آموزشی و پرورشی هر جامعه محسوب می‌شود. با آموزش مهارت‌های اجتماعی به این کودکان آن‌ها به هویت اجتماعی خود پی می‌برند و در زندگی اجتماعی با تغییرات گوناگون به‌طور مؤثرتری مواجه می‌شوند و می‌توانند تا حدودی مشکلات زندگی خود را حل کنند، با دیگران همکاری و مشورت نمایند، مورد تعریف و تمجید قرار بگیرند و به دیگران نیز ابراز نمایند، از والدین، معلم و دوستان خود تقدیر و تشکر کنند و احترام به خود و دیگران را بیاموزند. بر همین اساس به‌کارگیری شیوه‌های مؤثر و متنوع و غیرمستقیم در آموزش مهارت‌های اجتماعی یک ضرورت به حساب می‌آید.

امروزه در میان شیوه‌های آموزش که فعال‌سازی و درگیرکردن فراگیران در آن‌ها یکی از اصول کار است، قصه‌گویی نقش و جایگاه ویژه‌ای دارد. قصه در لغت‌نامه دهخدا به معنای حدیث، گزارش سرگذشت و داستانی که نوشته می‌شود، آمده است. قصه به نوشته‌ای اطلاق می‌شود که فکر نویسنده آن در قالب حکایتی به خواننده عرضه می‌شود، اعم از این‌که داستان جنبه تخیلی و غیرواقعی داشته باشد یا این‌که واقعیات زندگی با جامه تخیل مزین شده باشد. وقتی صحبت از قصه‌گویی می‌شود، مراد فقط بیان قصه نیست، بلکه عبارت است از نقل داستان‌ها، حکایت‌ها، افسانه‌ها و قصه‌ها به شعر یا به نثر است که در برابر شنونده زنده اجرا می‌شود. حقیقت این است که از قصه‌گویی به‌عنوان هنر یاد می‌شود، هنری شخصی که شروع فعالیت و پیشرفت در آن تنها به اراده و علاقه شخص بستگی دارد. قصه ناب‌ترین و خالص‌ترین بخش ادبیات است، چراکه فرد را به دوران پیش از پیدایش تفاسیر و تعبیر امروزی می‌برد. تقریباً همه این قصه‌ها به بایگانی نهایی قلب انسان تعلق دارد، نام سراینده‌شان از یاد رفته، اما پیامش هنوز وجود دارد. (حجازی، ۱۳۹۴: ۲۰) قصه‌گویی یک روش انعطاف‌پذیر است، شیوه‌ای است که می‌تواند برای گروه‌های مختلف و افراد با خصوصیات متفاوت به‌کار گرفته شود. منظور از قصه‌گویی ارتباط دوجانبه و متقابل بین قصه‌گو و شنونده است که قصه‌گو با بهره‌گیری از فنون قصه‌گویی و با تحریک قوه تخیل مخاطبان خویش و تأثیر متقابل پیام خود را به شکل جدیدتری به شنوندگان انتقال می‌دهد. قصه‌گویی نوعی روایت خواندنی یا شنیدنی است که در آن چگونگی روند تعامل و کنش‌مندی یک شخصیت با موضوعی براساس هدف، تحلیل، دیدگاه و نتیجه مورد نظر نویسنده یا قصه‌گو بیان می‌شود و از آنجا که آموزه‌ها و پندها در خلال قصه‌ها به‌خوبی برای کودک قابل فهم و معنادار می‌شود، احتمال اینکه کودک آن‌ها را در زمینه‌های مشابه به‌کار گیرد و تعمیم دهد، افزایش می‌یابد. قصه‌های اجتماعی یک نمونه توصیفی از موقعیت‌های اجتماعی روزانه است که از دیدگاه کودک نوشته می‌شود و

می‌تواند در موقعیت‌های مختلف استفاده شود. شاید نخستین قصه، قصه آدم (ع) و حوا باشد که با فریب شیطان از بهشت خدا رانده شدند. شاید حضرت آدم به‌عنوان اولین قصه‌گو بارها قصه رانده‌شدن خود از بهشت را برای فرزندانش تعریف کرده باشد تا عبرت بگیرند و فریب نخورند. هرچه باشد قصه از زمانی متولد شده است که انسان به‌وجود آمده است و تا زمانی که انسان هست، قصه هم خواهد بود. علاقه به قصه را خداوند مهربان در نهاد انسان‌ها نهاده است، زیرا خداوندی که از زیرویم آفریده خود دقیقاً آگاه است، در تمام کتاب‌های آسمانی به زبان قصه با انسان سخن گفته است. اهمیت زبان قصه در آخرین معجزه حضرت حق تا بدانجاست که حضرت علی (ع) گاه در فرموده‌های خویش قرآن را تماماً قصه خوانده‌اند. به همین دلیل همواره یکی از عمده‌ترین و رایج‌ترین راه‌های انتقال تجربه و سرگرمی قصه‌گویی و گوش سپردن به قصه‌هاست. (پرنیانی، ۱۳۸۰: ۱۱)

قصه‌گویی الکترونیکی یک نوع از قصه‌گویی است که به‌عنوان یک ابزار اثربخش برای آموزش و یادگیری به‌شمار می‌آید، به‌گونه‌ای که کودکان می‌توانند درک خود را از هر موضوعی به‌صورت داستان نشان دهند و برای معلمان نیز یک روش تدریس پویا خواهد بود؛ بدین صورت که با تصاویر متحرک و خلق شخصیت‌ها می‌توان محتوای آموزشی را جذاب و تعاملی کرد. با توجه به اینکه کودکان از راه ادراک دیداری بهتر یاد می‌گیرند، قصه‌گویی الکترونیکی به این جهت که دیدن و شنیدن باهم ارائه می‌شود، ماندگاری بهتری را در اذهان خلق می‌کند و یادگیری معناداری را به‌وجود می‌آورد. اصلی‌ترین تعریفی که برای قصه‌گویی الکترونیکی گفته شده است، استفاده از ابزارهای مبتنی بر کامپیوتر برای قصه‌گویی است. در تعریف قصه‌گویی الکترونیکی اصطلاحات دیگری هم به‌کار رفته است، از جمله مستندهای دیجیتال، روایت‌های مبتنی بر کامپیوتر، انشاهای دیجیتالی، خاطرات الکترونیکی، قصه‌گویی تعاملی و ...، اما به‌صورت کلی همه آن‌ها حول ایده ترکیب هنر قصه‌گویی با انواع مختلفی از مالتی‌مدیا شامل گرافیک، صوت، ویدئو و انتشار در وب است.

پژوهش‌های مختلفی انجام شده که اثربخشی قصه‌های اجتماعی را در کاهش مشکلات رفتاری و افزایش مهارت‌های اجتماعی در کودکان کم‌توان ذهنی نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال حسن‌زاده و نوائی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «تأثیر قصه‌گویی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره دوم ابتدایی» به این نتیجه دست یافته‌اند که قصه‌گویی در رشد مهارت‌های اجتماعی، خودتنظیمی، برقراری ارتباط مؤثر و زبان گفتار دانش‌آموزان تأثیر چشم‌گیری داشته است. تیموری (۱۳۹۷) در پژوهشی تأثیر قصه‌درمانی را همراه با ایفای نقش بر مهارت‌های اجتماعی کودکان بررسی کرده است. نتیجه این تحقیق نشان داد استفاده از روش قصه‌گویی همراه با ایفای نقش توانسته مهارت اجتماعی در کودکان را افزایش دهد. در تحقیقی که دمیرچی و قاضی (۱۳۹۶) به «بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی-هیجانی بر تنظیم شناختی هیجان و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی» پرداخته‌اند، افزایش چشمگیری در یادگیری این دانش‌آموزان مشاهده شد. سهرابی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «توانمندسازی والدین و نقش آن در تقویت مهارت‌های اجتماعی کودکان استثنایی» به روش کیفی و با ابزار مصاحبه کانونی در بین دو گروه هفت نفره از والدینی انجام داد که یک گروه از آن‌ها پایگاه اقتصادی و اجتماعی پایینی داشتند و گروه دیگر دارای پایگاه اقتصادی اجتماعی بالایی بودند. وی مصاحبه متمرکزی براساس برخی از عناصر اساسی مهارت‌های اجتماعی با آن‌ها انجام داد. یافته‌های حاصل از گردآوری و تحلیل داده‌ها نشان داد که تحصیلات پایین و وضعیت اقتصادی نابسامان باعث شده که بسیاری از مهارت‌های اجتماعی ضروری برای کودکان همچون مهارت‌های ارتباطی، بیان احساسات، مهارت مراقبت از خود و مهارت‌های گروهی برای این طیف از والدین به‌عنوان عنصری ناشناخته باقی بماند و برای والدین دارای وضعیت تحصیلی و اقتصادی بهتر قضیه عکس آن را نشان می‌دهد. در تحقیقی که نسائیان و گندمان (۱۳۹۵) با موضوع «اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مشکلات رفتاری کودکان کم‌توان ذهنی به‌وسیله قصه‌گویی با روش مطالعه نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون همراه با گروه کنترل» انجام دادند، نتایج این پژوهش نشان داد شد که قصه‌گویی بر آموزش مهارت اجتماعی و مشکلات رفتاری افراد کم‌توان ذهنی تأثیر خوبی دارد و کودکان کم‌توان ذهنی از قهرمانان قصه تا حدودی الگوبرداری می‌کنند. در تحقیقی که رحمتی (۱۳۹۵) با موضوع «بررسی اثربخشی قصه‌درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی شهر تهران» انجام داد، رابطه معناداری بین قصه‌درمانی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دیده شد. همچنین کاظمی (۱۳۹۴) در پژوهشی که با عنوان «تأثیر

الگوی آموزش خوش‌بینی به روش قصه‌گویی بر سبک اسناد کودکان کم‌توان ذهنی» انجام داده است، نتایج آن نشان می‌دهد که الگوی آموزش خوش‌بینی به روش قصه‌گویی باعث تغییر سبک اسناد بدبینانه به خوش‌بینانه در کودکان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی شده است. در تحقیقی که اژدری و مصطفایی (۱۳۹۴) با موضوع «اثربخشی قصه‌درمانی بر سازگاری اجتماعی کودکان دختر کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر شهرستان شاهین‌دژ با روش پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل» ترتیب دادند، نتایج نشان داد که قصه‌درمانی در سازگاری اجتماعی و هیجان کودکان دختر کم‌توان ذهنی نقش مؤثری دارد و داده‌ها در سطح ۰/۱ معنادار بود.

علاوه‌بر موارد مذکور تحقیقاتی که ویدرز و همکاران (۲۰۱۷)، رابرت^۲ (۲۰۱۵)، مگ^۳ (۲۰۱۰)، انجام داده‌اند، همگی بیانگر تأثیر قصه بر متغیرهای مختلف در رشد و سلامتی دانش‌آموزان به‌لحاظ روانی، عاطفی، اجتماعی و شناختی است و این تحقیقات نشان داد که آموزش مبتنی بر قصه‌گویی در کودکان کم‌توان ذهنی به‌طور معناداری منجر به بهبود کیفیت یادگیری شده است و با کمک‌گرفتن از روش قصه‌گویی می‌توان تغییرات شگرفی در زمینه یادگیری، سوادآموزی، رشد مهارت‌های اجتماعی و تنظیم هیجان ایجاد کرد، بنابراین در پژوهش حاضر سعی شد تا اثربخشی قصه‌گویی الکترونیکی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و به این سؤالات پاسخ داده شود که روش قصه‌گویی چه تأثیری بر رشد مهارت‌های اجتماعی، تنظیم هیجان، جرأت‌ورزی و ... دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی دارد؟ و استفاده از این روش در بهبود کیفیت یادگیری دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی چه تأثیری دارد؟

روش کار

پژوهش حاضر از نوع شبه آزمایشی به همراه طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی پسر دوره ابتدایی آموزشگاه استثنایی گلستان یک واقع در شهرستان بهارستان یک (از شهرستان‌های استان تهران) بود که ۳۰ نفر از آن‌ها از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل جایگزین شدند. برنامه قصه‌گویی الکترونیکی در این پژوهش بدین صورت انجام شد که گروه آزمایش در ۱۲ جلسه (۲۰ دقیقه‌ای) به‌صورت گروهی طی مدت سه ماه تحت آموزش برنامه قصه‌گویی الکترونیکی قرار گرفتند و در طول جلسات آموزشی گروه آزمایش، گروه کنترل هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. قصه‌ها از بین کتاب‌های داستان و داستان‌های مورد پذیرش جامعه و متناسب با سن و توانایی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی انتخاب شد. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق با مقیاس لیکرت با گزینه‌های «خیلی زیاد، زیاد، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف» استفاده شد. برای ارزیابی روایی پرسش‌نامه از نظر استادان و متخصصان علوم تربیتی بهره گرفته شد و برای پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که برابر ۰/۹۴ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از آزمون تحلیل کوواریانس استفاده شد.

یافته‌ها

فرضیه اول: قصه‌گویی الکترونیکی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی اثر دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که تأثیرات حاصل از قصه‌گویی الکترونیکی در گروه‌های آزمایش بسیار واضح است و گروه آزمایش در این مدت به نسبت گروه کنترل تغییرات محسوس‌تری را از خود به نمایش گذاشته است. با توجه به کنترل بسیاری از متغیرهای محیطی به‌نظر می‌رسد که قصه‌گویی الکترونیکی می‌تواند بر متغیرهای تنظیم هیجانی و مهارت‌های اجتماعی و مؤلفه‌های این متغیر در دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی اثر بگذارد که به شرح زیر مورد بحث قرار می‌گیرد. با توجه به برقراری تمام مفروضه‌های تحلیل کوواریانس در ادامه نتایج این تحلیل در متغیرهای وابسته در پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل با حذف اثر پیش‌آزمون آورده می‌شود.

1. Weathers
2. Rabert
3. Mag

جدول ۱: تحلیل کواریانس یک‌طرفه مرتبط با اثرات قصه‌گویی بر نمره کلی مهارت‌های اجتماعی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	میزان F	سطح معناداری	شدت اثر
پیش‌آزمون	۱۱۸۶/۵۰۰	۱	۱۱۸۶/۵۰۰	۲۸/۷۷۷	۰/۰۰۰	۰/۱۹۲
گروه	۲۶۴/۷۹۳	۱	۲۶۴/۷۹۳	۶/۴۲۲	۰/۰۱۷	
خطا	۱۱۱۳/۲۳۳	۲۷	۴۱/۲۳۱	---	---	
کل	۴۶۵۳۵/۰۰	۳۰	---	---	---	

با توجه به میزان F و سطح معناداری در جدول فوق که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی اختلاف معنادار بین میانگین نمرات عامل مهارت‌های اجتماعی دو گروه در پس‌آزمون وجود دارد و همچنین با بررسی جدول آمار توصیفی و مقایسه مقدار میانگین نمرات مرتبط با عامل مهارت‌های اجتماعی دو گروه مشاهده می‌شود که برنامه قصه‌گویی الکترونیکی نمرات مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی را تا حدی افزایش داده است. همچنین با تأکید بر میزان و اندازه اثر می‌توان متوجه شد که برنامه قصه‌گویی الکترونیکی تأثیر مطلوبی را بر عامل مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی گذاشته است که این میزان برابر با ۰/۱۹۲ است. برای بررسی پیش‌فرض همگنی ماتریس کواریانس مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی در گروه‌های مورد پژوهش نیز از آزمون باکس استفاده می‌شود.

جدول ۲: نتایج آزمون باکس جهت بررسی پیش‌فرض همگنی ماتریس کواریانس مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی

BOX S M	F	Df1	Df2	سطح معناداری
۱۰/۴۲۳	۲/۰۲۲	۶	۵۶۸۰/۳۰۲	۰/۰۵۸

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که میزان سطح معناداری ($p \geq 0.05$) است و گویای آن است که شرط همگنی ماتریس کواریانس به‌خوبی برای مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی رعایت شده است ($F=0.882$ و $p \geq 0.05$)، به این معنی که ماتریس‌های کواریانس مشاهده شده بین گروه‌های مختلف باهم برابرند.

جدول ۳: نتایج کواریانس چندمتغیری روی نمره‌های پس‌آزمون مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی با کنترل پیش‌آزمون

اثر پیلاپی	ارزش	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
اثر پیلاپی	۰/۲۵۲	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸
لامبدای ویلکز	۰/۷۴۸	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸
اثر هنتلینگ	۰/۳۳۶	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸
بزرگ‌ترین ریشه	۰/۳۳۶	۲/۵۷۹	۳	۲۳	۰/۰۴۸

همان‌طور که در جدول شماره ۳ ملاحظه می‌شود، سطوح معناداری همه مؤلفه‌های مهارت اجتماعی نشان‌دهنده این است که گروه‌های آزمایش و گواه حداقل در یکی از متغیرهای وابسته به هم تفاوت معنادار دارند. برای پی بردن به این نکته که از لحاظ کدام متغیر بین دو گروه تفاوت وجود دارد، تحلیل کواریانس انجام گرفت که نتایج حاصل به‌صورت زیر مشخص شد.

جدول ۴: تحلیل کوواریانس پس آزمون مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی با برداشتن اثر پیش‌آزمون

مرحله	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
خودکنترلی	گروه	۲۷/۴۶۸	۱	۲۷/۴۶۸	۵/۱۱۴	۰/۰۳۳	۰/۱۷۰
	خطا	۱۳۴/۲۸۸	۲۵	۵/۳۷۲			
جرات‌ورزی	گروه	۵۵/۰۸۲	۱	۵۵/۰۸۲	۷/۷۱۰	۰/۰۱۰	۰/۲۳۶
	خطا	۱۷۸/۶۰۱	۲۵	۷/۱۴۴			
همکاری	گروه	۲۳/۶۳۰	۱	۲۳/۶۳۰	۵/۴۰۸	۰/۰۲۸	۰/۱۷۸
	خطا	۱۰۹/۲۳۳	۲۵	۴/۳۶۹			

مطابق با جدول شماره ۴ می‌توان نتیجه گرفت، با توجه به میزان F و سطح معناداری در جدول فوق که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود. یعنی اختلاف معنادار بین میانگین نمرات مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی دو گروه در پس‌آزمون وجود دارد و همچنین با بررسی جدول آمار توصیفی و مقایسه مقدار میانگین نمرات مرتبط با مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی دو گروه مشاهده می‌شود که برنامه قصه‌گویی الکترونیکی مؤلفه‌های مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی را تا حدی افزایش می‌دهد. همچنین با تأکید بر میزان اندازه اثر می‌توان متوجه شد که برنامه قصه‌گویی الکترونیکی بر افزایش مؤلفه خودکنترلی به میزان ۰/۱۷۰، جرات‌ورزی به میزان ۰/۲۳۶ و بر همکاری به میزان ۰/۱۷۸ اثر گذاشته است.

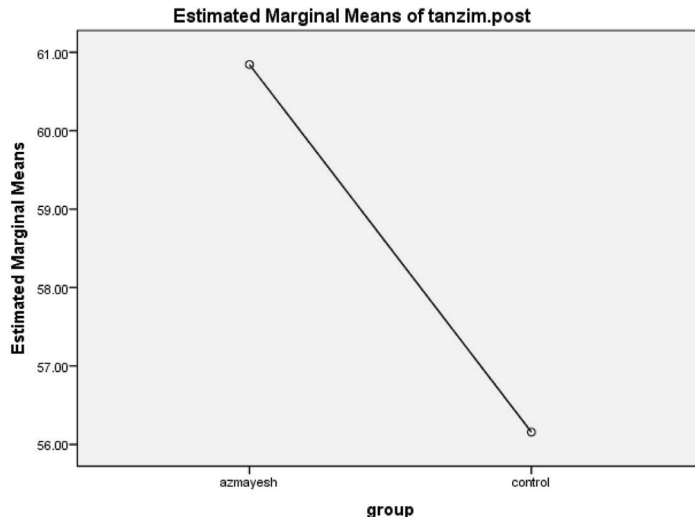
فرضیه دوم: قصه‌گویی الکترونیکی بر تنظیم هیجانی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی اثر دارد.

با توجه به برقراری تمام مفروضه‌های تحلیل کوواریانس در ادامه نتایج این تحلیل در متغیرهای وابسته در پس‌آزمون گروه‌های آزمایش و کنترل با حذف اثر پیش‌آزمون آورده می‌شود.

جدول شماره ۱: تحلیل کوواریانس یک‌طرفه مرتبط با اثرات قصه‌گویی الکترونیکی بر تنظیم هیجانی

شدت اثر	سطح معناداری	میزان F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	منبع تغییرات
۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۵۹/۹۹۵	۱۲۹۴/۲۱۷	۱	۱۲۹۴/۲۱۷	پیش‌آزمون
	۰/۰۱۰	۷/۵۹۳	۱۶۳/۷۹۱	۱	۱۶۳/۷۹۱	گروه
	---	---	۲۱/۵۷۲	۲۷	۵۸۲/۴۴۹	خطا
	---	---	---	۳۰	۱۰۴۷۵۸/۰۰	کل

با توجه به میزان F و سطح معناداری در جدول فوق که کمتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود؛ یعنی اختلاف معنادار بین میانگین نمره مؤلفه تنظیم هیجانی دو گروه در پس‌آزمون وجود دارد و همچنین با بررسی جدول آمار توصیفی و مقایسه مقدار میانگین نمره مرتبط با مؤلفه تنظیم هیجانی دو گروه مشاهده می‌شود که برنامه قصه‌گویی الکترونیکی مؤلفه تنظیم هیجانی دانش‌آموزان آهسته‌گام را تا حدی افزایش می‌دهد. همچنین با تأکید بر میزان اندازه اثر می‌توان متوجه شد که برنامه قصه‌گویی الکترونیکی بر افزایش تنظیم هیجانی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی به میزان ۰/۲۱۹ اثر گذاشته است. در نمودار زیر این تغییر مشخص شده است.



Covariates appearing in the model are evaluated at the following values: tanzim.pre = 56.4667

بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌گویی الکترونیکی در کودکان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی بود. نتایج این پژوهش تأثیرگذاری روش قصه‌گویی الکترونیکی را در بهبود مهارت اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی گروه آزمایش نشان داد. یافته‌ها درخصوص تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر مهارت اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی نشان داد، تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مهارت اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون وجود داشت؛ به عبارت دیگر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌گویی الکترونیکی که برای برقراری ارتباط بهتر و سازگاری بیشتر گروه آزمایش انجام شده، توانسته تأثیرگذار باشد و قصه‌های که پژوهشگر مطرح کرده، موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی و سازگاری آن‌ها شده است. نتایج حاصله درخصوص تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتارهای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی تفاوت معناداری بین میزان رفتارهای غیراجتماعی در دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. آنچنان‌که مشاهده شد، روش قصه‌گویی الکترونیکی تأثیر شگرفی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی دارد و نتایج به دست آمده در این پژوهش با پژوهش‌های پیشینی که در این زمینه صورت گرفته، هم‌خوانی دارد. در تحقیقی که حسن‌زاده و نوائی (۱۳۹۹) با عنوان «تأثیر قصه‌گویی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره دوم ابتدایی» انجام داده‌اند، این موضوع را تأیید نمودند و نتایج آن نشان داد قصه‌گویی در رشد مهارت‌های اجتماعی، خودتنظیمی، برقراری ارتباط مؤثر و زبان گفتار دانش‌آموزان تأثیر چشم‌گیری داشته است.

در پژوهشی که رحمتی (۱۳۹۵) با موضوع «بررسی اثربخشی قصه‌درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی شهر تهران» انجام داده است، گروه آزمایش (۱۰ نفر) و گروه کنترل (۲۰ نفر) بود. برای تجزیه و تحلیل از تحلیل کواریانس به کمک نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و از پرسش‌نامه سازگاری اجتماعی لامبرت و همکاران (۱۹۷۴) کمک گرفته شده است. میانگین نمرات سازگاری اجتماعی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل به صورت معناداری کاهش یافت ($P < 0.01$). با توجه به نتایج این پژوهش قصه‌درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مؤثر بوده است.

همتی علمدارلو (۱۳۹۱) تحقیقی تحت عنوان «بهبودبخشی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری غیرکلامی»

انجام داده که نتایج آن بدین شرح است: استفاده از الگوسازی، یادگیری مشارکتی و آموزش مستقیم می‌تواند به دانش‌آموزان در تشخیص و درک ناتوانی‌های اجتماعی‌شان، رشد راهبردهای مؤثر حل مسئله و کسب رفتارهای خودتنظیمی کمک کند. در واقع همه دانش‌آموزان می‌توانند از این آموزش سود ببرند. به‌طور کلی دانش‌آموزان با برخورداری از آموزش‌های مذکور اعتمادبه‌نفس و قابلیت بیشتری پیدا می‌کنند و در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و تحصیلی توانمندتر می‌شوند و بهتر می‌توانند بر موانع غلبه کنند. رمضان‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهش خود که با عنوان «بررسی تأثیر استفاده از داستان‌گویی بر یادگیری مهارت اجتماعی دانش‌آموزان پایه دوم و سوم» انجام داد، به این نتیجه رسید که روش تدریس با استفاده از قصه‌گویی به افزایش مهارت اجتماعی در پایه دوم و سوم منجر می‌شود.

در تحقیقی که ازدری و مصطفایی (۱۳۹۴) پیرامون موضوع اثربخشی قصه‌درمانی بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دختر شهرستان شاهین‌دژ انجام داده‌اند، روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل بود. جامعه آماری کلیه دختران شهرستان شاهین‌دژ بود که تعداد چهار نفر به‌صورت تصادفی انتخاب شده بودند. نتایج نشان داد که قصه‌درمانی در سازگاری اجتماعی نقش دارد و داده‌ها در سطح ۰/۱ معنادار است.

ذکریایی و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی که تحت عنوان «بررسی اجرای برنامه درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان دختر پایه چهارم ابتدایی منطقه ۵ تهران» انجام دادند، یافته‌ها نشان داد که قصه‌گویی و نمایش خلاق باعث افزایش خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان می‌شود.

در پژوهشی که درودفر (۱۳۸۸) تحت عنوان «تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبودپذیری مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پایه چهارم و پنجم دبستان شهر تهران» ترتیب داده، پژوهشگر از کل جامعه ۳۶ نفری دبستان شهید صیاد شیرازی تهران تعداد ۳۰ نفر را براساس آزمون مهارت‌های اجتماعی کودکان (احمدی و نورانی تهیه کرده‌اند) که دارای نمره کمتر از حد نصاب ۱۰۰ بودند. به‌صورت تصادفی به دو گروه ۱۵ نفری (آزمایش و کنترل) تقسیم کرد و گروه آزمایش به مدت ۱۴ جلسه با استفاده از داستان تحت آموزش مهارت‌های زندگی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که آموزش مهارت‌های زندگی با استفاده از داستان تأثیر معناداری بر میزان بهبودپذیری مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل دارد.

همچنین در پژوهش‌هایی که ابارشی (۱۳۸۸) و ارجمندی (۱۳۸۷) با موضوع «تأثیر قصه‌درمانی همراه با ایفای نقش بر یادگیری مهارت‌های اجتماعی کودکان با اختلالات یادگیری و از نوع شبه تجربی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه کنترل» انجام دادند، گروه نمونه متشکل از ۳۰ کودک بوده است. گروه آزمایش در طول دو ماه و نیم طی ۲۵ جلسه تحت آموزش مهارت‌های اجتماعی با شیوه قصه‌گویی همراه با ایفای نقش قرار گرفتند. نتیجه نشان داد که قصه‌گویی همراه با ایفای نقش باعث بهبود رشد اجتماعی شده است.

همچنین نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌هایی که خارج از ایران انجام گرفته نیز هم‌خوانی دارد. جیمز ویدرز (۲۰۱۷) مطالعه‌ای را با عنوان نحوه استفاده از داستان‌های اجتماعی بر آموزش رفتارهای اجتماعی انجام داد که نتایج نشان داد استفاده از داستان‌های اجتماعی آموزش رفتار اجتماعی را تسهیل می‌کند و کودکان بهتر می‌توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند. در مطالعاتی که کروزیرو و تیتکانی (۲۰۰۹) به بررسی اثرات داستان‌های اجتماعی در رفتار مغل دانش‌آموزان داشته‌اند، یافته‌ها کاهش رفتار مغل دانش‌آموزان را در مداخلات اجتماعی نشان می‌دهد. کالمنتیس و سیگل (۲۰۰۷) و چادسیروس و همکاران (۲۰۰۸) نیز پژوهش‌هایی در بررسی اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر موفقیت شغلی افراد شاغل انجام داده‌اند که نتایج این پژوهش‌ها بر موفقیت شغلی این افراد پس از یادگیری مهارت‌های اجتماعی صحت گذاشت.

با توجه به نتایج به‌دست آمده، فرض اساسی در تربیت و آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی این است که فقر مهارت‌های اجتماعی موجب منزوی شدن و طردشدن فرد از دیگران می‌شود. به همین جهت آموزش مهارت‌های اجتماعی در

مدارس ابتدایی استثنایی به پذیرش اجتماعی فرد در مراحل بالاتر منجر خواهد شد، چراکه مهارت‌های اجتماعی ضعیف و مشکلات ارتباطی با همسالان، خانواده و معلمان با بسیاری از شکل‌های سایکوپاتولوژی شامل افسردگی، اختلالات رفتار مهار یافته، هراس اجتماعی، نشانگان اتیسم و شروع زودهنگام اسکیزوفرنی و سوء استفاده از دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی مرتبط است، به همین دلیل توانایی برقراری ارتباط مناسب با دیگران یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت افراد در زندگی شخصی و اجتماعی آن‌هاست؛ همچنین نقص در مهارت‌های اجتماعی تشخیص و تنظیم هیجانات، کودکان کم‌توان ذهنی را با مشکلات متعدد مواجه می‌سازد و باعث عدم سازگاری آنان در روابط بین فردی، مشکلات و اختلالات رفتاری می‌شود و به رشد شخصیت کودک آسیب می‌رساند و در سازگاری وی با محیط تأثیر منفی می‌گذارد. این کاستی در مهارت‌های اجتماعی بیانگر پیشایندهای بالقوه برای اختلال‌های روانشناختی و مشکلات رفتاری است و مانع از رشد توانمندی‌های بالقوه این دانش‌آموزان در زمینه‌های آموزشی و اجتماعی می‌گردد. از سوی دیگر با توجه به اینکه به برخورد بالینی با این دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی شاهد این موضوع هستیم که نبود یا کمبود مهارت‌های اجتماعی در کودکان نه تنها موجب پایین آمدن توانمندی بالقوه آن‌ها در همه زمینه‌ها می‌شود، بلکه باعث بروز مشکلات رفتاری و خستگی و کلافگی معلمان نیز می‌شود؛ بنابراین از آنجا که آموزش و پرورش دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی در زمینه سازگاری محیطی و اجتماعی مقدم بر آموزش خواندن و نوشتن است، به همین جهت لزوم افزایش مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان به‌ویژه دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی با استفاده از روش‌ها و شیوه‌های نوین آموزش از جمله روش بازی‌درمانی، نقاشی و قصه‌گویی الکترونیکی احساس می‌شود.

یافته‌ها حاکی از آن است که قصه‌گویی الکترونیکی با ایجاد محیط یادگیری جذاب و مهیج ابزاری قوی در فرایند یاددهی-یادگیری است و علاوه بر آن می‌تواند باعث افزایش تعامل، اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان و بهبود کیفیت آموزشی شود. قصه‌گویی الکترونیکی به دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی در ایجاد محیط یادگیری سازنده کمک می‌کند، امکان یادگیری از طریق تجربه‌هایش را می‌دهد و یک محیط یادگیری انعطاف‌پذیر را در اختیار آن‌ها می‌گذارد که قادر به بهره‌گیری و استفاده از ایده‌های خودشان باشد. نتایج به‌دست آمده نشان داد، قصه‌گویی الکترونیکی را می‌توان به‌عنوان یک ابزار یادگیری مؤثر و کارآمد در سطوح مختلف آموزش مورد استفاده قرار داد.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که پرورش اجتماعی، جسمی و روحی انسان به‌شدت تحت تأثیر عوامل موجود در اولین سال‌های زندگی وی است و به‌طور عمده می‌تواند به‌وسیله آن‌ها تغییر یابد. کودک با کمبود دوران خردسالی قادر نخواهد بود در سطوح بالاتر و پیشرفته از شرایط و فرصت‌های تربیتی بهره‌مند شود و رشد کند. در طول سال‌های زندگی آموزشی ۱۰ تا ۱۵ درصد کودکان کم‌توان ذهنی به‌وسیله همسالان، همسایگان و خویشاوندان و ... خود طرد می‌شوند که این خود باعث به‌وجود آمدن مشکلاتی مانند فرار از مدرسه، عدم پیشرفت تحصیلی، پرخاشگری، جرم و جنایت می‌شود.

نتایج تحقیقات صورت‌گرفته، نشان داد بسیاری از محققان اتفاق نظر دارند که مهارت‌های اجتماعی آموختنی هستند، زیرا کودکانی که در محیط‌های نامناسب بزرگ شده‌اند، از لحاظ اجتماعی رفتارهایی نامعقول دارند و قادر به تکلم مؤثر و مفید نیستند. نارسایی‌های دوران کودکی در زمینه روابط اجتماعی به دوران بزرگسالی هم منتقل می‌شوند و بزرگسالان را به عنصری بی‌کفایت از نظر اجتماعی تبدیل می‌کنند و این مشکلات در کودکان کم‌توان ذهنی بسیار است و در مواقعی هم آن‌ها مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند و عضو باند‌های تبهکاری می‌شوند. آگاهی از نیاز به آموزش مهارت‌های اجتماعی غالباً از طریق بررسی ارتباط بین فردی، اجتماعی و پیشرفت تحصیلی عاید می‌شود. از آنجا که زندگی آدمی در نیم قرن اخیر همراه با تحولات و تغییرات رشد سریع جمعیت، تغییرات وسیع اجتماعی و صنعتی همراه بوده است، به‌نظر می‌رسد شمار بسیاری از کودکان و نوجوانان کم‌توان ذهنی دچار مشکلات سازگاری اجتماعی، رفتاری و عاطفی هستند. بدین جهت ضرورت آموزش و یادگیری مهارت‌های اجتماعی بیشتر از قبل آشکار می‌شود. اجتماعی کردن صحیح کودکان کم‌توان ذهنی به‌عنوان یکی از اهداف آموزش و پرورش چنین ضرورتی را بیشتر آشکار می‌کند.

نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌گویی الکترونیکی مورد مطالعه قرار گیرد و با پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه مقایسه شود. نتایج این پژوهش تأثیرگذاری روش قصه‌گویی الکترونیکی را در بهبود مهارت اجتماعی کودکان کم‌توان ذهنی گروه آزمایش نشان داد. یافته‌ها در خصوص تأثیر روش قصه‌گویی الکترونیکی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات مهارت اجتماعی دانش‌آموزان در دو گروه آزمایش و کنترل در مرحله پس‌آزمون وجود دارد. به عبارت دیگر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌گویی الکترونیکی که برای برقراری ارتباط بهتر و سازگاری بیشتر گروه آزمایش انجام شده است، توانسته تأثیرگذار باشد و قصه‌های که پژوهشگر انتخاب کرده، موجب افزایش مهارت‌های اجتماعی و سازگاری آن‌ها شده است. نتایج به‌دست آمده در خصوص تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتارهای دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی تفاوت معناداری را بین میزان رفتارهای غیراجتماعی در دانش‌آموزان بعد از آموزش مهارت‌های اجتماعی در گروه آزمایش و کنترل نشان می‌دهد. باتوجه به داده‌های آورده‌شده و مقایسه گروه کنترل با گروه آزمایش و همچنین بررسی نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌توان این نتیجه را اتخاذ کرد که استفاده از برنامه قصه‌گویی الکترونیکی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی تأثیر معناداری داشته است. آنچنان‌که مشاهده شد، نتایج به‌دست آمده در این پژوهش با مطالعات انجام گرفته پیشین حسن‌زاده و نوائی (۱۳۹۹)، سیدی (۱۳۹۸)، یوسفی لویه و متین (۱۳۹۸)، چهارمحالی (۱۳۹۷)، تویسرکانی (۱۳۹۷) و همچنین ذکریایی و همکاران (۱۳۹۶)، نصیرزاده (۱۳۹۴)، نیک‌منش (۱۳۹۰)، رمضان‌زاده (۱۳۹۰)، و نیز پژوهش‌های دل واله (۲۰۱۲)، کروزی و تینکانی (۲۰۱۰)، جان دلبیومنگ^۲ (۲۰۱۰)، جیمز ویدرز (۲۰۱۰)، اسکاتون^۳ (۲۰۰۹)، روست و اسمیت^۴ (۲۰۰۶)، دلاتو و واسل^۵ (۲۰۰۶)، هم‌سو است. اگرچه بین روش‌ها در مطالعات عنوان شده و شیوه‌های کاربرد قصه تفاوت وجود دارد، اما یافته‌ها به‌طور کلی بیانگر آن است که قصه‌گویی روش بسیار نیرومندی در روابط انسانی، آموزش و پرورش، خانواده، هنر و به‌طور کلی زندگی است؛ همچنین به‌نظر می‌رسد قصه‌گویی الکترونیکی به‌کار گرفته شده در این پژوهش الگویی از مهارت‌های اجتماعی، تنظیم هیجانی و شیوه مناسب برخورد در موقعیت‌های مختلف را تا اندازه‌ای به دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی ارائه کرده است. این روش می‌تواند رفتارهای جدیدی را به کودکان کم‌توان ذهنی آموزش دهد و رفتارهای هدفی را که در خزانه رفتاری آن‌ها وجود دارد بهبود و سازمان بخشد و با مهارتی که قهرمان قصه به‌صورت موفقیت‌آمیز به انجام می‌رساند، اضطراب آن‌ها را کاهش دهد و رفتارهای مثبت آن‌ها را به‌طور غیرمستقیم تقویت نماید. از آنجا که قصه‌ها ترکیب قدرت‌مندی برای سازماندهی و انتقال اطلاعات و معنادگی به زندگی دارند، در فرایند قصه‌گویی الکترونیکی رویدادهای روزمره زندگی در قالب قصه‌های با معنی طرح می‌شود تا به کودکان کم‌توان ذهنی کمک کند درک بهتری از خودشان و دیگران به‌دست آورند. در واقع در جریان قصه ممکن است شخصیت‌های قصه با بحرانی مواجه شوند و درصدد حل آن برآیند. ارائه این روش‌ها به‌طور مستقیم به افراد به‌ویژه کودکان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی کار آسانی نیست، ولی می‌توان از طریق قصه‌گویی الکترونیکی به این هدف نائل آمد. این موضوع نه‌تنها در مورد کودکان کم‌توان ذهنی بلکه برای کودکان نابهنجار، بهنجار، دارای مشکل عاطفی و ... نیز کارآیی دارد و از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. کوتاه سخن اینکه کودکان در سراسر دنیا عاشق قصه هستند. آن‌ها دوست دارند از شخصیت‌های مورد علاقه‌شان بشنوند و گاهی هم از آن‌ها تقلید کنند. با تعریف کردن قصه با پیام‌های معنادار بی‌تردید ارزش‌هایی مانند دانایی، روراستی، شجاعت و ... در سن پایین در آن‌ها ریشه می‌کند. قصه‌گویی به کودک در فراگیری هنر طرح پرسش‌های درست کمک می‌کند و به آن‌ها نشان می‌دهد چطور مکالمه

1. Del wale
2. Wablumang
3. Skatton
4. Rost & Smit
5. Delato & Wesel

کنند و اعتماد به نفس آن‌ها را تقویت می‌کند. دیدن و شنیدن قصه به شکلی تکرار شونده توانایی سخنوری کودکان را بهبود می‌بخشد و به آن‌ها یاد می‌دهد چگونه در زندگی با مشکلات روبه‌رو شوند. آموزش مهارت‌های اجتماعی با استفاده از قصه‌گویی نقش چشم‌گیری در پیشرفت و رشد اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی دارد و آن‌ها می‌توانند به صورت عینی و ملموس با مسائل و واقعیت‌های زندگی برخورد داشته باشند و برای حل آن‌ها راه‌کار ارائه دهند. به‌طور کلی با توجه به محدودیت‌های پژوهش که کوتاه بودن مدت برنامه قصه‌گویی الکترونیکی، تعطیلی مدارس به دلیل آلودگی، برودت هوا و شیوع کرونا، تعمیم‌پذیری پژوهش به جهت کوچک بودن نمونه و انجام پژوهش روی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی پسر که باید با احتیاط انجام شود، پیشنهاد می‌شود با توجه به نتایج پژوهش حاضر و تأثیرات روش قصه‌گویی الکترونیکی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی پژوهش‌هایی بر روی دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دوره متوسطه و دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی دختر، مؤلفه‌های دیگر، شهرهای دیگر و اقوام ایرانی با لهجه‌های دیگر نیز انجام شود. همچنین به معلمان گرامی توصیه می‌شود برای آموزش و تدریس برخی از موضوعات درسی از این روش بیشتر استفاده کنند و حتی المقدور از دانش‌آموزان برای ایفای نقش بهره‌گیرند.

منابع

- احمدی، اکبر. (۱۳۸۵). *مهارت‌های زندگی*. تهران: نشر حمایت.
- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۱). *مقدمه‌ای بر روانشناسی آموزش و پرورش کودکان کم‌توان هوشی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بیان‌زاده، سیداکبر و ارجمندی، زهرا. (۱۳۸۲). «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتار سازگارانۀ کودکان عقب‌مانده ذهنی خفیف». *فصلنامه اندیشه و رفتار*. سال نهم. ش ۱. صص ۲۷-۳۴.
- پاشاشریفی، حسن. (۱۳۸۴). *نظریه و کاربرد آزمون‌های هوش و شخصیت*. تهران: انتشارات رشد
- پرنیانی، مینو. (۱۳۸۰). *هنر قصه‌گویی خلاق*. تهران: انتشارات رشد.
- تویسرکانی، مهدیه. (۱۳۹۶). «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی مبتنی بر قصه در اختلال کودکان کم‌توان ذهنی دوره ابتدایی». *مجله علمی-ترویجی کودکان استثنایی*. سال هشتم. ش ۱۸. صص ۲۰-۴.
- حجازی، زهرا. (۱۳۹۴). «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رفتار سازگارانۀ کودکان عقب‌مانده ذهنی خفیف». *مجله اندیشه و رفتار*. سال نهم. ش ۲۴. صص ۲۴-۱.
- حسن‌زاده ویائی، حسین و نوایی، سمیه. (۱۳۹۹). «تأثیر قصه‌گویی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان پسر دوره دوم ابتدایی». *مجله بویس در علوم انسانی*. سال ششم. ش ۲۱. صص ۱۰-۲.
- حسین‌خان‌زاده، عباس‌علی. (۱۳۹۰). «طراحی و اعتباربخشی الگوی مناسب برنامه درسی مهارت‌های اجتماعی برای دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی». *مجله علوم روانشناختی*. ش دهم. ص ۳۷.
- رابینسون، نانسی‌ام و رابینسون، هالبرت بی. (۱۳۷۷). *کودک آهسته‌گام*. ترجمه فرهاد ماهر. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- رحمان‌دوست، مصطفی. (۱۳۸۱). *قصه‌گویی، اهمیت و راه و رسم آن*. تهران: انتشارات رشد.
- شفیق‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۷). *مشاوره و راهنمایی کودک*. تهران: سمت.
- گنجی، مهدی. (۱۳۹۲). *آسیب‌شناسی روانی براساس DSM5*. تهران: انتشارات ساوالان.
- لی‌هی، رابرت. (۱۳۹۲). *تکنیک‌های تنظیم هیجان در روان‌درمانی*. ترجمه عبدالرضا منصوری‌راد. تهران: انتشارات ارجمند.
- میلانی‌فر، بهروز. (۱۳۹۱). *روانشناسی کودکان و نوجوانان استثنایی*. تهران: انتشارات قومس.
- هاجدن، الف. (۱۳۹۶). *حل مشکلات رفتاری کودکان در خود مانده: بهبود ارتباط به کمک راهکارهای دیداری*. ترجمه محمد اسماعیلی و امیر رهنمایی. تهران: نشر دانژه.
- همتی، اسماعیل. (۱۳۸۹). *تمرین خلاقیت*. تهران: انتشارات قطره.
- Callahan K, Henson R. (2008). "Social validation of evidence-based practices in autism by parents, teachers and administrators". *Journal of Autism Dev Disorder*. No 38. Pp 678-692.
- Fillips. R. (2010). "Social Skills Interventions for Children Behavior Modification". No 17. Pp 120-146.